



دگرپرسی هویتی از دنیای واقعی تا فضای مجازی

هویت افراد در شبکه های اجتماعی تا چه میزان با هویت واقعی آنها همخوان است؟ چرا بسیاری از کاربران در این شبکه ها تمایل دارند با هویتی متفاوت و حتی خیالی خود را معرفی کنند؟ کارشناسان پاسخ می دهند.

هویت افراد در شبکه های اجتماعی تا چه میزان با هویت واقعی آنها همخوان است؟ چرا بسیاری از کاربران در این شبکه ها تمایل دارند با هویت متفاوت و حتی خیالی خود را معرفی کنند؟ کارشناسان پاسخ می دهند. در سال های تازه کارکردهای فضای مجازی ابعاد گسترده تری یافته و تصورات پیشین درباره ی این عرصه را دچار تغییرات عمده ساخته است. دریافت و ارسال ساده ی ایمیل یا پیگیری اخبار روز که جزو کارکردهای آغازین فضای مجازی بودند، دیگر در تراز تبادلات کلان تجاری، فکری و احساسی که امروز در این فضا صورت می گیرد، بخش کوچکی را به خود اختصاص داده است.

بنا به گفته ی کارشناسان این حوزه، این تحول بزرگ حاصل دو اتفاق مهم در این عرصه بوده است: یکی در دسترس بودن امواج پرسرعت اینترنت و سوار شدن آن ها روی گوشی های تلفن همراه و دیگری که به تبع اتفاق نخست رخ داده، آسان شدن آرزوی قدیمی بشر برای مدنی بودن.

دیرزمانی از ترویج اینترنت گذشت تا کسی بتواند بدون صرف هزینه یی برای خود صفحه یی جداگانه در فضای آن داشته باشد و هر چه دل تنگش بخواهد می تواند در آن بنویسد. چندی پس از این که وبلاگ ها این هدیه را برای بهت زدگان از پدیده ی اینترنت به ارمغان آوردند به تدریج فضایی موازی برای ارتباط میان انسان ها شکل گرفت و آن شبکه های اجتماعی بودند؛ شبکه هایی که کار و بار وبلاگ ها را رو به کساد بردند. شبکه های مجازی همچون فیس بوک و توییتر که فرد به دنبال یافتن ردپایی از دوستان قدیمی و اطلاع گرفتن از احوال حاضران، وارد این عرصه شد. اما یکی از مسایل مورد بحث درباره ی شبکه های اجتماعی در عرصه مجازی مساله هویت و نسبت آن با هویت افراد در فضای واقعی است.

*** ناشناخته بودن یا فرار از هویت واقعی

در محیط مجازی افراد می توانند مشخصات هویت واقعی خود را بروز دهند یا می توانند از خود شخصی دیگر، غیر از آن چه در واقعیت بوده ارایه دهند یا به عبارتی این امکان را به اشخاص می دهد که هویت واقعی خویش را مخفی کنند یا با هویت ساختگی جدیدی وارد آن شوند.

«سید هادی معتمدی» روانپزشک در گفت و گو با پژوهشگر ایرنا استفاده از هویت مجازی از طرف برخی افراد را مختص به فضای مجازی و اینترنت ندانست و گفت: شما ببینید در محل کار و زندگی خصوصی چند درصد افراد، خودشان هستند. در محیط کار دیده می شود که مردان و زنان در ارتباط با خانم ها و آقایان دیگر چقدر لطیف، مهربان، خوشرو و خوش برخورد هستند اما زمانی که وارد زندگی خصوصی این افراد می شویم خلاف واقع را می بینیم.

بنا به گفته ی معتمدی، افراد دو چهره دارند یعنی هر جا که پنهان هستند چیز دیگری هستند و هر جا که آشکار هستند و مورد انتقاد قرار می گیرند چهره ی دیگری از خود نشان می دهند. با این پیش درآمد باید گفت در فضای مجازی به افراد آزادی عمل بیشتری تعلق گرفته و از عکس تا نام و هویت خود را می توانند پنهان کنند. در واقع افراد در این فضا آن چیزی که هستند، نیستند و آن چه دوست دارند، باشند هستند. در اینجا است که افراد کلاهبردار خود را خیر نشان می دهند و از خود قهرمان سازی می کنند.

از نگاه این روانپزشک، سوء استفاده و کلاهبرداری از دیگران هم عامل دیگری است که فرد با اسم مستعار و هویت مخفی به این فضا پا می گذارد.

«عباس اسدی» استاد و رییس پژوهشکده ی ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی هم در گفت و گو با پژوهشگر ایرنا، احساس امنیت نکردن را یکی از عواملی دانست که افراد به خصوص زنان را وامی دارد تا از هویت واقعی خود استفاده نکنند و نام مستعار برگزینند. بعضی موارد هم سلیقه یی است و فرد خود دوست ندارد که آشنا باشد.

در دنیای واقعی هر کس مسوول رفتار و گفتار خود است، اما با وجود هویت مجازی، آزادی بیان بیشتر می شود و احساس مسوولیت در برابر گفتار و اندیشه از بین می رود و ممکن است شخص از بخشی از هویت واقعی خود مانند تحصیلات، شرایط خانوادگی، جنسیت یا شرایط اجتماعی ناراضی باشد و بخواهد با هویتی ساختگی به نوعی خود را با تغییر قسمتی از هویت یا تمام آن دلداری بدهد؛ حتی ممکن است از سر شیطننت فریب کاری سوء استفاده های مالی و جنسی خودش را متفاوت نشان دهد.

«مصطفی اقلیما» رییس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران در گفت و گو با پژوهشگر ایرنا، برخوردار نبودن افراد از اعتماد به نفس و اطمینان نداشتن به واکنش سایر افراد در قبال خود را یکی از دلایل کشش افراد به دنیای مجازی عنوان کرد و گفت: شخصی که به خود اطمینان دارد و از اعتماد به نفس خوبی برخوردار است دلیلی برای تحمیل خود به دیگران با هزار دروغ نمی بیند و باید گفت دنیای مجازی او با دنیای واقعی یکسان می شود. اما در کشورهای جهان سوم به دلیل نبود اطمینان و اعتماد به نفس، افراد حتی در زندگی روزانه هم مانند دنیای مجازی برخورد می کنند و چیزهایی بیان می کنند که هیچ نشانه یی از آن در خود نمی بینند.

رییس انجمن علمی مددکاران اجتماعی، پایین بودن فرهنگ، ملاک های نادرست ارزش افراد و وجود سیاست های اجتماعی غلط را دومین دلیل استفاده نکردن افراد از نام واقعی خود در فضای مجازی دانست و افزود: زمانی که در جامعه یی افراد را آنگونه که هستند قبول نمی کنند، فرد برای راه یافتن در جمع یا گروه مورد علاقه ی خود به ناچار از هویتی خودساخته و مجازی استفاده می کند. وقتی جامعه، راه مدرک گرایی را در پیش گرفته و به فرد مدرک دار ارزش و بهای بیشتری می دهد افراد با هزاران مشکلات مالی، تلاش می کنند برای مقبول شدن، مدرک بگیرند؛ اینجاست که دیگر ما خودمان نیستیم. ما برای این که احساس کنیم مردم ما را می خواهند و قبول دارند سعی می کنیم چیز دیگری از خود نشان دهیم و طوری رفتار کنیم که بقیه از ما خوششان بیاید و ما را بیشتر بپسندند.

معتمدی هم احساس کمبود توجه و ترس از مورد انتقاد قرار گرفتن را دلیل ارتباط اجتماعی ضعیف و در نتیجه فرار از جامعه و کشیده شدن افراد به فضای مجازی و ارتباط با افرادی ناشناخته دانست و افزود: افرادی که نمی توانند شخصیت واقعی خود را نشان دهند و از انتقاد گریزان هستند در مواجهه با فضایی که می توانند در آن به دور از ذره بین منتقدان، خود را ایده آل نشان دهند ناخواسته به این فضاهای مجازی کشیده می شوند. باید گفت، وقتی ما بتوانیم با دوستان به سینما و کوه برویم و خانواده ی گسترده یی داشته باشیم، نیازی به رجوع به این فضای مجازی نیست. شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که برخی افراد کار با اینترنت را بلد نیستند یا اشتیاقی به ورود به فضای مجازی ندارند نبود احساس نیاز است.

این روانپزشک افزود: کامنت نویسی و لایک کردن هم به عنوان مقوله ی دیده شدن و مورد قبول دیگران واقع شدن پدیده یی است که بر داغ تر شدن بازار شبکه های مجازی افزوده است. دیده می شود که فرد از لایک شدن از طرف یک فرد معروفی بی اندازه خوشحال می شود گویا آرزوی دیرینه اش برآورده شده است. گاهی اوقات ما ناتوانی ها و کاستی های خود را از این طریق پوشش می دهیم و عقده های شخصی خود را می پوشانیم.

اسدی استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی هم فضای مجازی را محل انتشار و به اشتراک گذاردن آرمان ها، آرزوها و تفکرات افرادی دانست که می خواهند تجربه ی خود را با دیگران در میان بگذارد. در واقع فضای مجازی را می توان مکانی برای «تخلیه ی احساسات و عواطفی» است که کامنت های مربوط به آن، نقش چشمگیری در این تخلیه احساسات دارند.

*** عوارض و نمود هویت مجازی بر دنیای واقعی

امروزه افراد در اینترنت به فروشگاه می روند و خرید می کنند، در دانشگاه مجازی به سر کلاس می روند و آموزش می بینند، با دوستان جدید آشنا می شوند و با آن ها صحبت می کنند. همه ی این ها نشان دهنده ی این است که فضای سایبری، رسانه یی تعاملی است که افراد در آن هم گیرنده و هم فرستنده هستند و این فضا، محیط تعاملی را برای آن ها فراهم می کند که در آن با هم در ارتباط باشند.

در همین راستا، مصطفی اقلیما معتقد است در دنیای مجازی افراد به دلیل برخورد از نزدیک نداشتن، مجازی تر جلوه می کنند. این فضا، به دلیل تصورات و رویاهای خودساخته با دنیای واقعی شباهتی ندارد و رفته رفته فرد به دوگانگی فرهنگی کشیده می

شود؛ چراکه به مرور زمان ذهنیت خودساخته ملکه ی وجودی فرد می شود و باور آن، آسیب هویتی به فرد، جامعه و خانواده می زند و باعث درگیری روحی و هویتی می شود؛ به دلیل دروغ هایی که گفته، دوستان خود را از دست می دهد و در نهایت خلاقیت و توانایی واقعی فرد کمرنگ می شود. این دستگاه و فضای مجازی انسانیت را از بین می برد و افراد را مانند یک ماشین متحرک می کند.

بنا به گفته ی این روانپزشک، زمانی که در جامعه یی به افراد به خاطر وضعیت شغلی و تحصیلی مادر یا پدر و پول آن ها ارزش می گذارند، معلوم است که جامعه به سمت بزرگ جلوه دادن و ارزشمند کردن خود با دروغ روی می آورند. به عنوان مثال شخص به دلیل نگاه افراد دیگر هرگز نمی گوید که پدرش کارگر و خدماتی است. درواقع باید گفت که کودکان ما در همان فضای مدرسه با مجازی بودن آشنا می شوند؛ زمانی که می بینند معلم با توجه به شغل پدر و مادر کودکان به آن ها ارزش می دهد. با این نگاه است که فرزند ما وقتی وارد دنیای مجازی می شود، شروع به رویاپردازی می کند، دچار توهم می شود و اسکیزوفرنی در جامعه توسعه می یابد.

اما در بررسی کشورهای توسعه یافته به دلیل این که ملاک معیار و سنجش، خود فرد است، رییس جمهوری بودن یا کارگر ساده بودن پدر فرقی نمی کند. این جاست که می گوئیم سیاست های اجتماعی فرهنگی، در رفتار، کردار و برخورد افراد جامعه اثر می گذارد.

منزوی و فردگرا شدن یکی دیگر از عوارض دنیای مجازی است که اقلیما از آن یاد کرد و گفت: مشکل زمانی بحرانی تر شد که دریافتیم فرزندان ما نمی توانند در دنیای واقعی ارتباط برقرار کنند و دچار یک دوگانگی فرهنگی با والدین خود شده اند.

اما سید هادی معتمدی با یکسان دانستن ماهیت فضای مجازی با دنیای واقعی و با تاکید بر بالابردن ارتقای کیفی فضاهای سایبری گفت: ما هیچ گاه فناوری و نوسازی را محدود و محکوم نمی کنیم فقط باید با اطلاع رسانی، نحوه ی درست استفاده کردن از این فضای عمومی را آموزش دهیم. همین «وایبر» که به عنوان یک فضای مجازی در بین افراد گسترده شده، چه اشکالی دارد که بین خانم های یک خانواده باشد یا بین مردان و پسران برقرار باشد؛ چه اشکالی دارد که برای هم مطلب خنده داری بفرستند و بخندند. اما مشکل کار در فضاهایی است که به افراد ناآشنا اجازه ی ورود می دهد در نتیجه یک امر تفریحی و لذت بخش به یک امر شنیع و زشت بدل می شود که آسیب های اجتماعی در بر داشته و فضای ارتباطی خارج از عرف ایجاد می کند.

«مکانی برای خودنمایی و گاه تخریب شخصیت سایرین» عنوانی بود که عباس اسدی در انتقاد به فضای مجازی ذکر کرد و گفت: فلسفه ی ایجاد فضای مجازی، ارتباط بیشتر میان افراد و اشتراک عقیده بود. اما متأسفانه نوع استفاده ما از این فضا اشتباه است؛ به گونه یی که با این فضا، مکانی برای تخریب، غیبت و سطحی نگری در مورد افراد ایجاد شده است که بدون مطالعه، راجع به فردی قضاوت می کنند و به انتشار اکاذیب می پردازند در حالی که در دین و شریعت ما غیبت کردن و تهمت زدن به شدت نفی شده است.

*گروه پژوهش های خبری